

بررسی مقایسه‌ای انگاره‌های مشارکت زنان روستایی غیرسرپرست خانوار و سرپرست خانوار در فعالیتهای کشاورزی تلفیقی*

حسین شعبانعلی فمی - استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران
 فرحناز رستمی - کارشناس ارشد توسعه روستایی از دانشگاه تهران
 معصومه رحیم زاده - کارشناس ارشد توسعه روستایی از دانشگاه صنعتی اصفهان

چکیده

برای بررسی و مقایسه انگاره‌های مشارکت زنان روستایی غیر سرپرست خانوار و سرپرست خانوار در فعالیتهای کشاورزی تلفیقی، مطالعه‌ای در سطح شهرستان تفرش صورت گرفت. براساس معیارهای گوناگون از جمله تراکم جمعیت و نسبت زنان سرپرست خانوار در مقایسه با گروه دیگر، در کل ۳۰۰ زن روستایی از ۴۰ روستای شهرستان به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی انتخاب و مصاحبه شدند. نتایج حاصله نشان داد که مشارکت زنان سرپرست خانوار (بیوه) تقریباً در همه فعالیتهای زراعی و دامداری بیش از زنان غیرسرپرست خانوار (متاهل) بود. آزمون کای اسکوئر نیز حاکی از رابطه بین وضعیت تأهل و میزان مشارکت زنان در کشاورزی تلفیقی بودت نشان داد که این دو گروه در ۱۸ ویژگی مورد مطالعه تفاوت معنی دار داشتند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که هر دو گروه زنان روستایی به ویژه زنان سرپرست خانوار باید تحت پوشش خدمات ترویجی و حمایتی کشاورزی قرار گیرند و به آنها آموزشهای فنی، مدیریتی و کار آفرینی ارائه گردد. به هر حال مسئله مهم در ارائه خدمات، توجه به انگاره‌های مشارکتی هر دو گروه است.

واژه‌های کلیدی: مشارکت زنان روستایی، سرپرست خانوار، غیرسرپرست خانوار، کشاورزی تلفیقی، تفرش.

مقدمه

در جامعه امروز ایران، زنان نشان داده‌اند که تواناییها و قابلیت‌های بالقوه فراوانی دارند و تحت شرایط مناسب می‌توانند مشارکت مؤثری در توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور داشته باشند. از آن جایی که در دهه‌های اخیر زنان دسترسی بهتری به دانش و اطلاعات فنی در عرصه‌های اقتصادی داشته‌اند، مشارکت داوطلبانه و آگاهیهای آنها در این زمینه‌ها افزایش یافته است از این رو افزایش و بهبود مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی از عمده‌ترین اهداف بسیاری از سازمانهای دولتی ایران است که از جمله می‌توان به دفتر مشارکت زنان ریاست جمهوری و دفتر امور زنان وزارت جهاد کشاورزی اشاره کرد (RWDO, 1996; Tohid, 1997; Anonymous, 1998; ORNWA, 1997) براساس گزارش بانک جهانی علاوه بر دستگاہهای دولتی، بسیاری از سازمانهای غیردولتی مانند کمیته امداد امام خمینی، انجمن زنان مسلمان و انجمن زنان برای حفاظت محیط زیست و توسعه پایدار نیز، برای بهبود جایگاه اقتصادی اجتماعی زنان به ویژه در مناطق روستایی فعالیت می‌کنند (World Bank, 1994). تجارب این سازمانها نیز نشان می‌دهد که پیش‌نیاز مشارکت زنان روستایی در زمینه‌های اقتصادی، کسب آگاهی و شناخت از جایگاه و نقش فعلی آنان در توسعه کشاورزی و روستایی است. علی‌رغم مطالعات پراکنده‌ای که عمدتاً در طول دو دهه گذشته در نقاطی از کشور صورت گرفته است، هنوز نیاز به بررسیهای بیشتری وجود دارد تا بتوان اطلاعات مناسبی از وضعیت موجود، نقش نیازها و مشکلات زنان روستایی در زمینه‌های مختلف اقتصادی اجتماعی کسب و در اختیار دستگاہها و سازمانهای مسئول قرار داد. یکی از نظامهای غالب کشاورزی در ایران، نظام کشاورزی تلفیقی است که براساس برخی شواهد نقش زنان در آن بسیار قابل توجه است. در این نظام دو فعالیت زراعت و دامداری در کنار یکدیگر انجام می‌شود و هر یک مکمل دیگری است. براساس بررسیهای به عمل آمده نظام کشاورزی تلفیقی یکی از پایدارترین نظامهای تولیدی است و به همین دلیل باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. بنابراین شناخت نقش زنان در این نظام می‌تواند گام مؤثری در جهت اخذ تصمیمات مناسب برای اجرای مطلوب برنامه‌های مداخلات توسعه پایدار باشد. با توجه به اینکه حضور مرد در خانوار تأثیر زیادی بر الگوی مشارکت زنان خواهد داشت در این مطالعه، وضعیت مشارکت دو گروه زنان غیر سرپرست خانوار (متاهل) و زنان سرپرست خانوار (بیوه) بررسی و مقایسه شده است. این تحقیق به دلیل غالب بودن نظام کشاورزی تلفیقی در شهرستان تفرش، در این منطقه اجرا شد که برخی از یافته‌های آن در این مقاله منعکس گردیده است.

مبانی نظری تحقیق

گفته می‌شود که زنان اولین کسانی بوده‌اند که علم و هنر زراعت را ابداع کردند، مشکلات کشاورزی را به صورت یک مجموعه کلی از انتخاب بذر، جمع‌آوری و کاشت گرفته تا تبدیل محصول نهایی به غذا، پوشاک یا سوخت مدنظر قرار دادند و نقش کلیدی در حفاظت از نظامهای اساسی حیات مانند زمین، آب، پوشش گیاهی و جامعه حیوانی ایفا نمودند (Swaminathan, 1985 به نقل از Rivera, 1988). در ایران نیز زنان از دیرباز نقشهای بسیار مهمی در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایفا نموده‌اند. به عنوان مثال، در جامعه روستایی ایران، هر خانواده می‌تواند به عنوان واحدی تولیدی قلمداد گردد. این واحدهای تولیدی اغلب کوچک هستند به نحوی که در بسیاری از موارد اکثر تولیدات آنها توسط خانواده به مصرف می‌رسد البته بخشی از این تولیدات نیز به بازارهای ملی و بین‌المللی راه می‌یابد. زنان روستایی، یکی از شالوده‌ها و بنیانهای اساسی این واحدها هستند بدون حضور آنان ساختار اقتصادی خانواده نمی‌تواند پایدار باشد. به هر حال مشارکت زنان روستایی ایران در فعالیتهای اقتصادی به ویژه کشاورزی و صنایع دستی واقعیتی انکارناپذیر است. این حضور در عرصه‌های اقتصادی باعث کاهش هزینه‌های تولید و افزایش در آمد خانوار می‌گردد.

براساس بررسی به عمل آمده سهم زنان از نیروی کار کشاورزی حدود ۴۰ درصد است (بدون احتساب فعالیتهای تولیدی آنها در منزل مانند کاشت سبزیجات در باغچه یا گل‌کاری و مانند آن که در آمد مازاد برای خانواده ایجاد می‌کند). برخی آمار حکایت از سهم بالای زنان در نیروی کار مورد استفاده در زراعت برنج (۷۰ درصد)؛ سبزی و صیفی‌کاری (۹۰ درصد)، تولید پنبه و دانه‌های روغنی (۵۰ درصد) و برداشت میوه (۳۰ درصد) دارد. به علاوه حدود ۷۰ درصد صنایع دستی و ۸۸ درصد قالی و گلیم در سطح کشور توسط زنان تولید می‌شود. البته زمانی ارزش کار زنان در این فعالیتهای مشخص می‌شود که توجه شود حدود ۶۲ درصد از کل صادرات غیر نفتی ایران محصولات کشاورزی و صنایع دستی می‌باشند (Anonymous, 1998) همچنین نیروی کار زنان روستایی به لحاظ ماهیت، ساعات کار، کیفیت و سختی نیز تفاوت‌های اساسی با نیروی کار سایر گروههای زنان به ویژه در عرصه‌های خدمات و صنعت دارد. بنابراین هر گونه تواناسازی نیروی کار زنان روستایی نیازمند توجه هم‌زمان به دو مقوله اساسی ایجاد تحول در نگرش اجتماعی نسبت به زنان و ایجاد فرصتهای جدید مشارکت در زمینه‌های گوناگون توسعه است. به عبارت دیگر در فرآیند تواناسازی زنان روستایی، نباید به آنها صرفاً به عنوان نیروی کار اقتصادی نگریسته شود بلکه باید ارتقای همه قابلیت‌های آنها مورد توجه قرار گیرد. قبل از طراحی هر گونه

برنامه تواناسازی باید شناخت دقیق تری از نقشها، نیازها و مشکلات زنان روستایی پیدا شود. «هولمبوئه اوتسون» و همکاران معتقدند که افزایش مشارکت زنان در تولید غذا ممکن است آثار مثبت زیادی از جمله افزایش دسترسی خانواده به غذای بیشتر و متنوع تر، افزایش کنترل زنان بر مواد غذایی و درآمد خانوار و بهبود جایگاه اقتصادی اجتماعی آنها داشته باشد (Holmboe et al, 1988). در کشور ما به دلیل تنوع وضعیت اقتصادی اجتماعی و جغرافیایی روستاها از یک سو و الگوی مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف از سوی دیگر، ضرورت ایجاد می کند مطالعاتی از این نوع در سطح محلی و منطقه ای صورت گیرد. «کاستیلو» نیز بعد از مطالعه برنامه های بسیاری از کشورها مانند هند، بنگلادش و فیلیپین به این نتیجه می رسد که تجزیه و تحلیل نقشها و مشکلات زنان باید در سطح مناطق و موقعیتهای مختلف صورت پذیرد؛ قبل از آنکه برنامه های توانمندسازی زنان طراحی و به اجرا در آیند (Castillo, 1988) مشارکت گروههای مختلف زنان در زمینه های گوناگون اقتصادی از زوایای مختلف قابل بررسی است. این مطالعه که به مقایسه الگوی مشارکت زنان روستایی سرپرست و غیر سرپرست خانوار در کشاورزی تلفیقی می پردازد به دو دلیل اهمیت دارد:

۱- بررسیهای اخیر نشان می دهند که در بین نظامهای مختلف تولید دامی (مبتنی بر چرا، صنعتی، کشاورزی تلفیقی)، نظام کشاورزی پایدارترین نوع آنهاست که کمترین خسارات زیست محیطی؛ اقتصادی و اجتماعی را به بار می آورد. به علاوه باید توجه کرد که بیشترین فرآورده های دامی در این نظام تولید می شوند بنابراین ضرورت ایجاد می کند که برای حفظ و بهبود این نظام، جایگاه نیروی انسانی به ویژه زنان روستایی از اهمیت خاصی برخوردار باشد. زیرا اگر زنان روستایی مشارکت فعالی در عملیات مختلف کشاورزی تلفیقی داشته باشند، در آن صورت برنامه های توسعه باید در جهتدهی تغییرات مطلوب به سمت تواناسازی زنان روستایی تلاش کنند.

۲- اگر زنان روستایی سرپرست و غیر سرپرست خانوار مشارکت یکسانی در فعالیتهای جاری نظام کشاورزی تلفیقی نداشته باشند؛ برنامه های توسعه باید در ارائه خدمات آموزشی ترویجی و حمایتی به این گروهها تمایز قایل شوند. این تحقیق به دنبال آزمون این فرضیه اساسی است که الگوی مشارکت این دو گروه از زنان روستایی در کشاورزی تلفیقی یکسان نیست.

روش تحقیق

منطقه مورد مطالعه

این مطالعه در سطح دو بخش مرکزی و فراهان شهرستان تفرش به اجرا در آمد. در این

شهرستان، کشاورزی تلفیقی مهم‌ترین نظام تولیدی در مناطق روستایی است که بیشترین درآمد و اشتغال را ایجاد می‌کند. از آن جایی که تفرش یکی از مناطق کم‌باران کوهستانی زاگرس است، تلفیق فعالیتهای زراعی و دامداری به کشاورزان کمک می‌کند تا با پخش ریسک ناشی از کمبود باران یا نامناسب بودن پراکنش آن، معیشت نسبتاً پایداری را برای خانواده خود فراهم سازند. بنابراین دلیل انتخاب تفرش، غالب بودن این نوع نظام تولیدی در آنجاست.

نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه

برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی استفاده گردید و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به میزان ۳۰۰ نفر برآورد گردید. به منظور افزایش میزان معرف بودن نمونه و بررسی حداکثر تنوع موجود در منطقه، کلیه دهستانهای دوبخش مرکزی (۴ مورد) و فراهان (۲ مورد) و حدود ۲۸/۵ درصد از کل روستاها به نسبت توزیع جغرافیایی مطالعه شدند.

در نهایت ۲۶۵ زن روستایی غیر سرپرست خانوار (متاهل) و ۳۵ زن روستایی سرپرست خانوار (بیوه) از ۴۰ روستای پراکنده در ۶ دهستان در سطح شهرستان انتخاب و مطالعه شدند.

روش تحقیق و ابزار گردآوری داده‌ها

این تحقیق از نوع پیمایشی و ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود. روایی و پایایی اجزای مختلف پرسشنامه به ویژه مقیاس اندازه‌گیری میزان مشارکت با استفاده از روشهای مناسب بررسی شد که نتیجه حاکی از پایایی مناسب ($r = 0/90$) آن بود. ضریب آلفا برای سنجش انسجام درونی معادل $r = 0/96$ بود که این نیز نشانه قابلیت اعتمادپذیری بالای پرسشنامه است. برای تعیین روایی از روش اعتبار محتوا استفاده و تنها گویه‌هایی در پرسشنامه قرار گرفتند که درصد وزن مناسب بودن آنها بیش از ۷۵ درصد بود. در نهایت از بین ۱۱۳ گویه، ۶ گویه به شرح ذیل انتخاب و در مقیاس نهایی گنجانده شد:

- الف- گویه‌های سنجش مشارکت فیزیکی زنان در فعالیتهای زراعی (۱۹ مورد)
 - ب- گویه‌های سنجش مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری امور زراعی (۷ مورد)
 - ج- گویه‌های سنجش مشارکت فیزیکی زنان در فعالیتهای دامداری (۳۲ مورد)
 - د- گویه‌های سنجش مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری امور دامداری (۷ مورد)
- براین اساس ۴ حیطه اساسی کشاورزی تلفیقی شامل موارد فوق بررسی شدند که در

ادامه با تلفیق حیطه‌های (الف) و (ج) مشارکت فیزیکی زنان روستایی در کشاورزی تلفیقی و با ادغام حیطه‌های (ب) و (د) مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیریهای امور کشاورزی تلفیقی حاصل گردید. برای سنجش میزان مشارکت از پیوستاری ۵ سطحی به این شرح استفاده گردید: فقط زن، اغلب اوقات زن، برابر یکدیگر، گاهی اوقات زن، و فقط شوهر (سایر مردان مانند پسران در مورد زنان سرپرست خانوار). در ادامه نمره‌های ۴، ۳، ۱، ۲ و صفر به ترتیب برای هر یک از سطوح فوق در نظر گرفته شد. از آن جایی که ارائه گزارش نهایی براساس این پیوستار، اطلاعات کمی در مورد میزان مشارکت خالص زنان ارائه می‌نمود و برای هر گویه می‌بایستی جدولی جداگانه طراحی می‌شد، شاخصی تحت عنوان «شاخص میزان مشارکت خالص» طراحی و با استفاده از آن تجزیه و تحلیل نهایی صورت گرفت. این شاخص که توسط محققان طراحی گردیده به این شرح است:

شاخص میزان مشارکت خالص (درصد)

۲۵ × فراوانی افرادی که نمره ۱ کسب کرده‌اند + ۵۰ × فراوانی افرادی که نمره ۲ کسب کرده‌اند + ۷۵ × فراوانی افرادی که نمره ۳ کسب کرده‌اند + ۱۰۰ × فراوانی افرادی که نمره ۴ کسب کرده‌اند.

فراوانی افرادی که نمره ۱ کسب کرده‌اند × ۲۵	فراوانی افرادی که نمره ۲ کسب کرده‌اند × ۵۰	فراوانی افرادی که نمره ۳ کسب کرده‌اند × ۷۵	فراوانی افرادی که نمره ۴ کسب کرده‌اند × ۱۰۰	شاخص میزان مشارکت خالص =
تعداد کل پاسخگویان				(درصد)

به منظور آزمون استقلال دو متغیر وضعیت تأهل (سرپرستی خانوار) و میزان مشارکت، مخاطبان براساس سطح مشارکت در ۳ گروه با مشارکت پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی

شدند که برای این منظور از معیار استفاده گردید. در نهایت داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSSwin تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق به تفکیک فعالیتهای مورد مطالعه به شرح ذیل می‌باشد:

۱- مشارکت در فعالیتهای زراعی

جدول ۱ میزان مشارکت خالص زنان غیر سرپرست خانوار (متأهل) و سرپرست خانوار (بیوه) در فعالیتهای زراعی را نشان می‌دهد که به تفکیک زمینه‌های اصلی، بررسی می‌شوند.

الف - مرحله قبل از کاشت: میزان مشارکت خالص زنان غیر سرپرست خانوار در این فعالیتهای کمتر از ۲/۵ درصد است که نشان می‌دهد اکثر این فعالیتهای توسط مردان خانواده انجام می‌شود. در حالی که میزان مشارکت خالص زنان سرپرست خانوار در این زمینه تا ۵۵ درصد افزایش می‌یابد.

ب - مرحله کشت: در این زمینه از امور زراعی، زنان متأهل فقط مشارکت نسبتاً بالایی (۴۰/۳ درصد) در کندن و جمع‌آوری علفهای هرز داشتند، در حالی که مشارکت آنها در سایر فعالیتهای زمان کاشت کمتر از ۲/۵ درصد بود. در مقایسه با این گروه، زنان سرپرست خانوار مشارکت بالاتری در این فعالیتهای داشتند به طوری که میزان مشارکت آنها در کندن و جمع‌آوری علفهای هرز ۸۴/۲ درصد و در سایر فعالیتهای مرحله کاشت حدود ۴۰ درصد بود. «بوینیک و مهرا» در بررسیهای خود دریافتند که تقسیم کارهای مزرعه تابع عواملی چون تقاضای مزرعه به نیروی کار دستمزد بگیر، نیروی کار موجود در خانواده و فقر روستایی خواهد بود (Buvinic and Mehra, 1984 به نقل از Spio, 1997). به عنوان مثال کمبود نیروی کار مرد در سطح خانواده باعث گسترش مشارکت زنان در فعالیتهایی می‌شود که در بسیاری از خانواده‌ها توسط مردان انجام می‌گیرد. یکی از عواملی که در منطقه مورد مطالعه بر الگوی تقسیم جنسیتی نیروی کار تأثیر گذاشته، سطح مکانیزاسیون و استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی مانند تراکتور و کمباین است. به کارگیری این فناوریهای نوین به ویژه در بخش فراهان تفرش باعث شده به مرور زمان مشارکت زنان در فعالیتهای قبل از کاشت و بعد از کاشت کاهش یابد. البته ورود این فناوریها به بخش کشاورزی بر الگوی مشارکت مردان در فعالیتهای مربوطه نیز تأثیر گذاشته است.

ج - مرحله داشت: میزان مشارکت زنان سرپرست خانوار در همه فعالیتهای مرحله داشت محصولات زراعی بیش از زنان غیر سرپرست خانوار بود که نتایج

تفصیلی آن در جدول ۱ منعکس است.

د- مرحله برداشت و پس از برداشت محصول: هر چند میزان مشارکت خالص زنان غیر سرپرست خانوار در برخی از فعالیتهای مربوط به این مرحله بالاست ولی به طور کلی زنان سرپرست خانوار در همه این فعالیتهای مشارکت بیشتری نسبت به گروه اول داشته‌اند تا جایی که در مورد پاک کردن محصول در منزل این میزان به ۱۰۰ درصد می‌رسد. علت اصلی مشارکت بالاتر زنان در فعالیتهای مرحله برداشت محصول و بعد از آن انجام این عملیات در منزل و تناسب آن با توانایی زنان است. امکان انجام این فعالیتهای در منزل موجب می‌گردد تا آنان بتوانند به سایر کارهای خود برسند. «ویجایا» نیز در بررسیهای خود به نتیجه مشابهی دست یافته است (Wijaya, 1993) به نقل از (Spio, 1997).

ه- مدیریت و سرپرستی مزرعه: مشارکت زنان سرپرست خانوار در فعالیتهای مربوط به مدیریت و سرپرستی مزرعه بیش از گروه دیگر و بالای ۶۹ درصد است. مشارکت زنان غیر سرپرست خانوار در خرده‌فروشی محصولات مازاد، بالا (۷۱/۹ درصد) و در فعالیت سرپرستی کارگران در مزرعه، پایین (۱۵/۳ درصد) است. از عواملی که بر این جنبه از مشارکت زنان تأثیر می‌گذارد، میزان سواد و تحرک اجتماعی آنهاست. بسیاری از زنان به دلیل بی‌سوادی در امور حسابداری فعالیتهای زراعی و دامداری دخالت نمی‌کنند. در مورد اموری که نیاز به مسافرت‌های طولانی دارد نیز مشارکت مردان بیشتر است زیرا زنان به دلیل مسئولیتهای بچه‌داری از یک سو و عدم وجود امکانات تردد مناسب برای آنان از سوی دیگر، از انجام این فعالیتهای اجتناب می‌کنند.

و- تصمیم‌گیری امور زراعی: مشارکت خالص زنان غیر سرپرست خانوار در تصمیم‌گیریهای مربوط به امور زراعی در اکثر فعالیتهای مورد مطالعه کمتر از ۴ درصد است. در حالی که این رقم برای زنان سرپرست خانوار بیش از ۶۱ درصد است. یکی از عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی ضرورت برقراری ارتباطات اجتماعی است. به عنوان مثال زمانی که طرف معامله محصول یا نهاده کشاورزی مردان هستند این نوع معاملات معمولاً توسط مردان خانوار صورت می‌گیرد و برعکس. به همین دلیل است که مشاهده می‌گردد مشارکت در مبادلات جزئی و کم‌حجم عمدتاً بین زنان خانوارهای مختلف صورت می‌گیرد. البته مشارکت بیشتر زنان سرپرست خانوار در تصمیم‌گیری فعالیتهای کشاورزی تلفیقی می‌تواند ناشی از آزادی عمل بیشتر آنها در این امر باشد. ضمناً مشارکت فیزیکی زنان روستایی در امور کشاورزی و دخالت آنها در تصمیم‌گیریهای مربوطه، با یکدیگر ارتباط دارد. «کارل» نیز در بررسیهای خود به این نکته اشاره می‌کند که هر چه مشارکت کمی زنان بیشتر باشد مشارکت کیفی آنان نیز افزایش خواهد یافت

۳

(Karl, 1995). «باومیک» و همکاران در مطالعه خود در منطقه «ساندربانز» هندوستان دریافتند در خانواده‌هایی که زنان مشارکت بیشتری در فعالیتهای ماهیگیری و پرورش ماهی دارند، بیشتر مورد مشاوره مردان در این امر قرار می‌گیرند. (Bhaumik et al., 1996). ضمناً این نتایج توسط «ستی» و «چو» تأیید شده است (Sethi, 1991; Cho, 1992). به طور کلی یافته‌های این بررسی نشان می‌دهند که مشارکت خالص زنان روستایی سرپرست خانوار در اکثر فعالیتهای زراعی بیش از ۳۰ درصد است. این گروه از زنان معمولاً شانس بیشتری برای دستیابی به زمین و سایر عوامل تولید کشاورزی از طریق قوانین ارث دارند، در نتیجه کنترل بیشتری بر منابع تولید خواهند داشت. از این رو حضور مرد در خانواده تأثیر زیادی بر الگوی مشارکت فیزیکی و حیطة تصمیم‌گیری زنان در امور کشاورزی دارد.

جدول ۱- مقایسه مشارکت زنان سرپرست خانوار و غیرسرپرست خانوار در فعالیتهای بخش زراعت نظام کشاورزی تلفیقی

درصد خالص مشارکت (NTD)			فعالیهای زراعی
کل (n=310)	سرپرست خانوار (n=146)	زنان غیرسرپرست خانوار (n=164)	
			الف - فعالیتهای قبل از کاشت
۶/۹	۵۴/۶	۱/۹	۱- انتخاب بذر
۶	۴۷/۸	۲/۲	۲- ضد عفونی بذر
۶/۹	۵۵/۸	۲	۳- حمل و نقل وسایل کشاورزی به مزرعه
			ب - فعالیتهای کاشت
۴۵/۲	۸۴/۲	۴۰/۳	۴- کندن و جمع‌آوری علفهای هرز
۴/۴	۴۲/۷	۲/۳	۵- کوبیدن و خرد کردن کلوخ
۳/۷	۳/۵	۱/۲	۶- بذرپاشی
۴/۶	۴۰	۱/۷	۷- توزیع و بخش بکنواخت کود شیمیایی و دامی (کود پاشی)
			ج - فعالیتهای داشت
۱۱/۱	۵۶/۵	۷	۸- آبیاری محصول
۴۹/۱	۸۷/۹	۴۴/۴	۹- وجین علف هرز با دست
۳۵/۹	۷۶	۳۱/۷	۱۰- تنک کردن یا کاشت مجدد

ادامه جدول ۱- مقایسه مشارکت زنان سرپرست خانوار و غیرسرپرست خانوار در فعالیتهای بخش زراعت نظام کشاورزی تلفیقی

درصد حالص مشارکت (NER)			فعالیتهای زراعی
کل (n=۳۰۰)	زنان سرپرست خانوار (n=۳۵)	زنان غیرسرپرست خانوار (n=۲۶۵)	
			د - فعالیتهای برداشت و پس از برداشت
۱۵/۲	۵۳/۳	۱۲/۷	۱۱- چیدن محصول
۱۱/۸	۳۸/۵	۱۰/۳	۱۲- کوبیدن محصول
۷/۷	۹۹	۷۴/۴	۱۳- غربال و الک کردن
۲۷/۶	۶۳/۹	۲۴/۹	۱۴- کیسه و بسته بندی کردن محصول
۱۲/۱	۵۱/۶	۹/۴	۱۵- انبار کردن محصول
۷/۹	۲۸/۳	۶/۷	۱۶- جمع آوری کاه
۸۹/۸	۱۰۰	۸۸/۶	۱۷- پاک کردن محصول در منزل
			ه - جنبه های مدیریتی
۲۰/۶	۶۹/۲	۱۵/۳	۱۸- سرپرستی کارگران در مزرعه
۷۳/۷	۸۹/۴	۷۱/۹	۱۹- خرده فروشی
			و - تصمیم گیری
۹	۶۳/۵	۳/۶	۲۰- مشخص کردن زمان عملیات کشاورزی
۱۰/۱	۶۷/۲	۳/۳	۲۱- استخدام کارگران غیر از عضو خانواده
۹	۶۱/۵	۳/۵	۲۲- فروش محصولات کشاورزی (عمده فروشی)
۸/۳	۶۳/۵	۲/۷	۲۳- مشخص کردن زمان کاشت
۹/۲	۶۳/۸	۳/۱	۲۴- مشخص کردن زمان چیدن محصول
۸/۷	۶۷/۲	۲/۱	۲۵- مشخص کردن زمان آبیاری
۲۹/۳	۶۹/۹	۲۴/۵	۲۶- چگونگی صرف درآمد حاصله از محصولات کشاورزی

(منبع: یافته های تحقیق)

۲- مشارکت در فعالیتهای دامداری

جدول ۲ میزان مشارکت خالص زنان غیر سرپرست خانوار (متأهل) و زنان سرپرست خانوار (بیوه) را در فعالیتهای دامداری نشان می‌دهد که به تفکیک زمینه‌های اصلی مورد واکاوی قرار می‌گیرند:

الف - پرورش گاو و گوساله: مطابق جدول ۲، مشارکت زنان غیر سرپرست خانوار ۸۷/۱ درصد در فعالیت شیر دوشی با دست، ۵۷/۳ درصد در مراقبت از گوساله در زمان شیرخوارگی و ۵۶ درصد در آب دادن به گاو و گوساله است. میزان مشارکت خالص این گروه در سایر فعالیتهای پرورش گاو و گوساله کمتر از ۴۵ درصد است. این در حالی است که میزان مشارکت زنان سرپرست خانوار در همه فعالیتهای پرورش گاو و گوساله بیش از ۶۰ درصد است.

ب - پرورش گوسفند و بز: میزان مشارکت زنان غیر سرپرست خانوار در شیردوشی گوسفندان ۹۱/۷ درصد، در شیر دهی دستی به بره‌ها یا بزغاله‌ها ۷۴/۳ درصد، در آب دادن به گوسفندان ۶۸/۶ درصد و در تغلیف گوسفندان در منزل ۵۳/۴ درصد است. مشارکت این گروه در سایر فعالیتهای پرورش گوسفند و بز کمتر از ۴۷ درصد است. مشارکت زنان سرپرست خانوار تنها در دو فعالیت چرای گوسفند و بز در مزرعه و چیدن پشم گوسفندان و بره‌ها کمتر از ۴۴ درصد بود در حالی که در سایر فعالیتهای مورد مطالعه، میزان مشارکت آنها بیش از ۸۱ درصد است.

ج - پرورش طیور: هر چند مشارکت هر دو گروه زنان سرپرست و غیر سرپرست خانوار در فعالیتهای پرورش طیور بیش از ۸۱ درصد است ولی نتایج نشان می‌دهد که متوسط مشارکت زنان سرپرست خانوار در بسیاری از فعالیتهای پرورش طیور، بیش از گروه دیگر است.

د - مدیریت بازاریابی و تبدیل محصولات دامی: براساس نتایج حاصله میزان مشارکت خالص زنان غیر سرپرست خانوار در هفت فعالیت مورد مطالعه بیش از ۶۷ درصد است. مشارکت این گروه در نگهداری حسابهای دامداری و تعمیر و حفاظت از جایگاه دام پایین بوده است. میزان مشارکت زنان سرپرست خانوار در اکثر قریب به اتفاق فعالیتهای مدیریت، بازاریابی و تبدیل محصولات دامی بیش از ۷۵ درصد است.

ه - تصمیم‌گیری: در اغلب فعالیتهای مورد مطالعه در زمینه مشارکت در تصمیمات مربوط به امور دامی مشارکت هر دو گروه بالاست. مقایسه دو گروه حاکی از مشارکت بالاتر زنان سرپرست خانوار نسبت به گروه دوم است، به طوری که در همه فعالیتهای مورد مطالعه میزان مشارکت گروه اول بیش از ۷۵ درصد است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مشارکت زنان روستایی در امور دامداری بیشتر از

فعالیت‌های زراعی است. دلیل اصلی این امر انجام بسیاری از عملیات دامداری در منزل است. زنان به دلیل سایر مسئولیت‌ها از جمله بچه‌داری و خانه‌داری، آمادگی و توانایی بیشتری برای مشارکت در آن بخش از فعالیت‌های کشاورزی و دامداری که در منزل انجام می‌شود، دارند.

جدول ۲- مقایسه زنان سرپرست خانوار و غیرسرپرست خانوار در فعالیت‌های بخش دامداری نظام کشاورزی تلفیقی

درصد خانوارهای سرپرست (NEP)			توضیحات
کل (n)	زنان سرپرست خانوار (n=۳۴)	زنان غیرسرپرست خانوار (n=۳۳)	
			الف - پرورش گوساله و گاو
۳۰/۶	۶۶۷	۲۳/۳	۱- چرای گاو در مزرعه
۲۲/۲	۶۳/۵	۱۷/۶	۲- چیدن روزانه علوفه تازه
۱۶	۶۰/۷	۱۲	۳- خشک کردن علوفه در مزرعه
۸۷/۷	۹۲/۳	۸۷/۱	۴- شیردوشی با دست
۲۷/۷	۹۳/۸	۲۳/۶	۵- تمیز و خشک کردن جایگاه دام
۴۸/۶	۸۲/۸	۴۴/۲	۶- تغلیف گوساله و گاو
۶۰/۹	۹۰/۵	۵۷/۳	۷- مراقبت گوساله در زمان شیرخوارگی
۵۹/۶	۸۷/۹	۵۶	۸- آب دادن گوساله و گاو
۱۹/۷	۶۵	۱۴/۹۸	۹- حمل علوفه تازه از مزرعه
			ب - پرورش گوسفند و بز
۲۲/۵	۴۳/۲	۲۰/۳	۱۰- چرای گوسفند و بز در مزرعه
۵۵/۶	۸۲/۸	۵۳/۴	۱۱- تغلیف گوسفند و بز در جایگاه
۴۱/۲	۸۲/۸	۳۷/۵	۱۲- کمک کردن به گوسفند و بز در زمان زایمان
۴۹/۳	۸۱/۳	۴۶/۵	۱۳- جدا کردن بره‌ها و میشها در زمان مورد نیاز
۱۳/۴	۴۰	۱۱/۴	۱۴- پشم‌چینی
۹۱/۵	۹۰	۹۱/۷	۱۵- شیردوشی گوسفند و بز
۷۵/۷	۸۹/۳	۷۴/۳	۱۶- شیردوشی دستی به بره‌ها و بزغاله‌ها
۷۰	۸۷/۵	۶۸/۶	۱۷- آب دادن به گوسفندان / بره‌ها
			ج - پرورش طیور
۸۱/۰۸	۸۰/۳۶	۸۱/۲	۱۸- جوجه‌کشی
۹۰/۷	۹۴/۵	۹۰/۲	۱۹- جمع کردن تخم‌مرغها

(منبع: یافته‌های تحقیق)

ادامه جدول ۲- مقایسه زنان سرپرست خانوار و غیرسرپرست خانوار در فعالیتهای بخش دامداری نظام کشاورزی تلفیقی

مجموعه خانوارهای مشارکت (NEP)			نظایر دامداری
کل (n=۳۳۷)	زنان سرپرست خانوار (n=۳۴)	زنان غیرسرپرست خانوار (n=۲۶۵)	
۸۸/۸	۹۳	۸۸/۲	۲۰- تغذیه طیور
۸۲/۶	۸۹/۸	۸۱/۶	۲۱- تمیز کردن جایگاه طیور
۸۸/۳	۸۹/۸	۸۸/۱	۲۲- آب گذاشتن برای طیور
۸۷/۹	۸۹/۸	۸۷/۶	۲۳- در آوردن طیور در صبح و جا کردن در شب
			د - مدیریت / بازاریابی و تبدیل محصولات دامی
۸۸/۵	۹۳	۸۸	۲۴- فروش شیر
۹۵/۹	۹۵/۶	۹۵/۹	۲۵- فروش تخم مرغ
۸۱/۷	۹۳/۲	۸۰/۱	۲۶- فروش جوجه و مرغ
۶۹/۱	۸۳	۶۷/۳	۲۷- خرید طیور جدید
۹۴/۵	۹۴/۲	۹۴/۶	۲۸- فروش فرآورده‌های لبنی (ماست و ...)
۸/۷	۴۲/۹	۵/۸	۲۹- نگهداری و تعمیر جایگاه دام
۲۴/۱	۷۵/۷	۱۷/۳	۳۰- نگهداری حسابهای دامداری
۹۸/۹	۱۰۰	۹۹/۱	۳۱- درست کردن فرآورده‌های لبنی (ماست و ...)
۸۱/۹	۱۰۰	۷۹/۷	۳۲- پشم ریزی
			ه - تصمیم گیری
۲۹/۵	۷۷/۴	۲۳/۹	۳۳- آغاز یک فعالیت جدید دامداری
۳۰/۷	۷۵/۸	۲۵/۲	۳۴- تعداد و نوع دامهایی که باید نگهداری شوند
۷۵/۵	۹۰	۷۳/۵	۳۵- شیر دادن دستی به بره / گوساله
۵۶/۶	۹۰/۲	۵۲/۱	۳۶- مراقبت از دام باردار
۹۴/۵	۹۷/۲	۹۴/۲	۳۷- فروش تولیدات دامی (شیر، تخم مرغ و ...)
۸۸/۹	۱۰۰	۸۷/۹	۳۸- پشم ریزی و تبدیل آن

۳- مقایسه میزان مشارکت دو گروه از زنان روستایی مورد مطالعه در زمینه‌های اصلی کشاورزی تلفیقی و رابطه‌ی بین وضعیت تأهل و مشارکت

جدول ۳ نشان می‌دهد که اکثر زنان روستایی غیر سرپرست خانوار در دو طبقه با مشارکت پایین و متوسط در کشاورزی تلفیقی و زمینه‌های وابسته قرار دارند در حالی که زنان روستایی سرپرست خانوار در دو طبقه با مشارکت متوسط و بالا قرار دارند. این نشان می‌دهد در مجموع سطح مشارکت زنان سرپرست خانوار در همه زمینه‌های مشارکتی مورد مطالعه بالاتر از زنان غیر سرپرست خانوار است. این امر می‌تواند به دلیل عدم وجود پسران بزرگسال در خانواده زنان سرپرست خانوار برای کمک به آنها در مسئولیتهای منزل و مزرعه باشد. این زنان که در اغلب موارد تنها فراهم‌کننده درآمد خانوارشان هستند باید به دلیل عدم وجود یا حضور همسر یا پسران تلاش بیشتری در امور تولیدی کرده و بسیاری از کارهای مربوط را به تنهایی به انجام رسانند. انگیزه اصلی آنان نیز تأمین معاش و رفاه خود و خانواده و عدم امکان برخورداری از فناوری نوین و کارگر روزمزد است.

آزمون کای اسکوئر نشان‌دهنده رابطه بین وضعیت تأهل (سرپرستی خانوار) و مشارکت فیزیکی زنان روستایی در امور زراعی، مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری امور زراعی، مشارکت کل زنان در امور زراعی، مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری امور دامداری و مشارکت زنان در کشاورزی تلفیقی در اجزای وابسته (کار و تصمیم‌گیری) است. این امر نیز بیشتر به دلیل الگوی مشارکتی متفاوت زنان روستایی سرپرست خانوار در مقایسه با گروه دیگر، در اکثر فعالیتهای نظام کشاورزی تلفیقی است. زنان سرپرست خانوار روستایی به دلیل عدم وجود حامی یا همکار مرد، سطح پایین مکانیزاسیون در واحد تولیدی‌شان، وابستگی بیشتر به درآمد مزرعه و پایین بودن پایگاه اقتصادی برای به‌کارگیری کارگر روزمزد، میزان مشارکت بالاتری در فعالیتهای نظام کشاورزی تلفیقی دارند.

عدم وجود رابطه بین وضعیت تأهل و میزان مشارکت فیزیکی زنان روستایی در امور دامداری می‌تواند عمدتاً به دلیل وجود الگوی مشارکتی مشابه دو گروه در این فعالیتهای باشد. در حالی که رابطه بین وضعیت تأهل و میزان مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری امور دامی، به این دلیل است که زنان سرپرست خانوار تنها تصمیم‌گیرنده در امور منزل و خارج از آن بوده و از این نظر الگوی مشارکتی متفاوتی در مقایسه با زنان غیرسرپرست خانوار دارند.

جدول ۳ - مقایسه سطح مشارکت زنان سرپرست خانوار و غیر سرپرست خانوار در کشاورزی تلفیقی و زمینهای وابسته و بررسی پیوستگی بین وضعیت تأهل زنان روستایی و مشارکت

χ^2	کل (۱۵ - ۳۰)		زنان سرپرست خانوار (۱۵ - ۳۰)		زنان غیرسرپرست خانوار (۳۱ - ۴۵)		سطح مشارکت		مشارکت	رشته مشارکت	رده
	مجموع	تعداد	مجموع	تعداد	مجموع	تعداد	پایین	متوسط			
۱۲/۱۷**	۲۹	۸۷	۲۰	۷	۳۰/۲	۸۰	پایین	مشارکت فیزیکی (نیروی کار)	۱	زراعت	۱
			۲۵/۸	۹	۴۷/۹	۱۱۷	متوسط				
			۵۴/۳	۱۹	۲۱/۸	۵۸	بالا				
۸۹/۷۰**	۷۸	۲۶	۱۴/۳	۵	۷/۹	۲۱	پایین	مشارکت در تصمیم‌گیری	۲	دامداری (دامپروری)	۲
			۳۳/۴	۱۰	۸۹/۵	۲۲۴	متوسط				
			۱۲/۳	۲۰	۷/۶	۲۰	بالا				
۸۴/۳۷**	۱۹	۵۷	۱۷/۲	۶	۲۵/۶	۶۸	پایین	مشارکت کل	۳	دامداری (دامپروری)	۳
			۲۵/۸	۹	۶۰/۶	۱۶۰	متوسط				
			۵۶/۳	۲۰	۱۴	۳۷	بالا				
۱۱/۴ NS	۳۱/۷	۹۵	۱۷/۸	۶	۳۳/۶	۸۹	پایین	مشارکت فیزیکی (نیروی کار)	۴	دامداری (دامپروری)	۴
			۱۰/۷	۳	۲۵/۱	۹۳	متوسط				
			۳۶/۶	۱۵	۳۱/۳	۸۳	بالا				
۷۳/۲۸**	۲۸	۳۷	۱۴/۳	۵	۲۹/۷	۷۹	پایین	مشارکت در تصمیم‌گیری	۵	دامداری (دامپروری)	۵
			۴۶/۳	۸	۴۹/۴	۱۳۱	متوسط				
			۲۵/۸	۲۲	۲۰/۷	۵۵	بالا				
۸۶/۵ NS	۳۲/۸	۹۸	۱۷/۸	۶	۳۴/۸	۹۲	پایین	مشارکت کل	۶	دامداری (دامپروری)	۶
			۳۴/۳	۱۲	۳۴/۴	۹۱	متوسط				
			۳۳	۱۷	۳۰/۹	۸۲	بالا				

(منبع: یافته‌های تحقیق)

ادامه جدول ۳ - مقایسه سطح مشارکت زنان سرپرست خانوار و غیر سرپرست خانوار در کشاورزی تلفیقی و زمینه‌های وابسته و بررسی پیوستگی بین وضعیت ناهل زنان روستایی و مشارکت

شماره ردیف	نام خانوادگی	شماره خانوار	نوع مشارکت	نوع فعالیت	نوع زمین	نوع ابزار	نوع ماشین	نوع کود	نوع آبیاری	مشارکت فیزیکی (نیروی کار)			کشاورزی تلفیقی
										پایین	متوسط	بالا	
۳۳	۳۳/۷۸	۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶۷	۱۰۳	۳۳/۶۷	۳
										۳۸	۳۸/۷	۳۸/۷	
										۸۰	۳۰/۸	۳۰/۸	
۳۴	۳۴/۱۳	۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۳۱	۳۲/۵	۳۲/۵	۳
										۳۳	۶/۶	۶/۶	
										۶۷	۶/۳	۶/۳	
۳۵	۳۵/۳۱	۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳۳	۳/۵	۳/۵	۳
										۱۱۱	۶/۲	۶/۲	
										۶۳	۷/۳	۷/۳	
۳۶	۳۶/۷۱	۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸۰	۵/۸	۵/۸	۳
										۷۷	۵/۴	۵/۴	
										۲۷	۱/۸	۱/۸	
۳۷	۳۷/۸۱	۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸۶	۳/۵	۳/۵	۳
										۸۱	۷/۵	۷/۵	
										۶۶	۶/۵	۶/۵	
۳۸	۳۸/۷۸	۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶۶	۶/۱	۶/۱	۳
										۱۱۱	۲/۵	۲/۵	
										۲۷	۱/۸	۱/۸	

** معنی دار در سطح ۱٪ ، NS معنی دار نیست.
(منبع: یافته‌های تحقیق)

۴- مقایسه میزان مشارکت و برخی از ویژگیهای زنان روستایی غیر سرپرست و

سرپرست خانوار

جدول ۴ نشان می‌دهد براساس آزمون "t" زنان سرپرست و غیر سرپرست خانوار که در نظام کشاورزی تلفیقی فعال هستند در بسیاری از ویژگیهای فردی، اقتصادی اجتماعی و ارتباطی و میزان مشارکت در کشاورزی تلفیقی و زمینه‌های وابسته با یکدیگر تفاوت معنی‌دار دارند. عواملی چون پایگاه اقتصادی بالاتر، مسئولیت کمتر برای تأمین درآمد و معاش خانواده، پایین‌تر بودن متوسط سن، حضور همسر در کانون خانواده و اوقات فراغت بیشتر در بین گروه زنان غیر سرپرست خانوار باعث شده تا این گروه سطح سواد، بعد خانوار، درآمد سالیانه خانوار، سطح آرزوها، تماس و مشارکت ترویجی بالاتری نسبت به زنان سرپرست خانوار داشته باشند. این در حالی است که زنان روستایی سرپرست خانوار به دلایل پایگاه اقتصادی پایین‌تر، مسئولیت بیشتر برای تأمین معاش خانوار و کسب درآمد، بالاتر بودن متوسط سن و فقدان حضور همسر از تجربه بیشتری نسبت به گروه دیگر در فعالیتهای زراعی و دامداری برخوردار بوده و سطح مشارکت بالاتری در کشاورزی تلفیقی و زمینه‌های وابسته دارند. از آنجایی که آمار طلاق در سطح شهرستان بسیار پایین است اکثر زنان سرپرست خانوار به دلیل فوت همسر این مسئولیت را عهده‌دار شده‌اند. این افراد که متوسط سن بالایی (۵۵ سال) دارند به دلیل دخالت در فعالیتهای کشاورزی تلفیقی از ایام جوانی، دارای تجربه بسیاری در این زمینه هستند. این آزمون نشان دهنده وجود دو الگوی مشارکتی متفاوت در کشاورزی تلفیقی و زمینه‌های وابسته میان دو گروه است. این تفاوتها از نظر آماری در سطوح ۵ و ۱ درصد معنی‌دار است.

نتیجه‌گیری

از آنجایی که زنان روستایی سرپرست خانوار، الگوی مشارکتی متفاوتی در مقایسه با زنان غیر سرپرست خانوار در نظام کشاورزی تلفیقی دارند باید در برنامه‌های مداخلات توسعه‌ای به گونه‌ای متفاوت با آنها برخورد شود. این گروه در بسیاری از فعالیتهای مورد مطالعه کشاورزی تلفیقی سطح مشارکت بسیار بالایی داشته و تنها تصمیم‌گیرنده در امور تولیدی هستند. بنابراین ادارات ترویج کشاورزی در ارائه خدمات آموزشی و حمایتی ضمن توجه به این نکته باید به تناسب نیاز و شرایط هر گروه برنامه‌های خود را طراحی و اجرا و مهارتهای فنی، مدیریتی و کارآفرینی را به آنها آموزش دهند. در واقع زنان روستایی باید مخاطبان اصلی برنامه‌های توسعه کشاورزی در زمینه‌هایی باشند که مشارکت خالص آنها بالاست.

جدول ۴- مقایسه مشارکت زنان روستایی غیر سرپرست خانوار و سرپرست خانوار از نظر ویژگیهای فردی، اقتصادی اجتماعی و ارتباطی و میزان مشارکت در کشاورزی تلفیقی و زمینه‌های وابسته

ردیف	ویژگیها	وضعیت تابع			
		زنان سرپرست خانوار (n = ۳۵)		زنان غیر سرپرست خانوار (n = ۳۵)	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
۱	سن زن (سال)	۴۰/۵۸**	۹/۸	۵۵/۴	۱۱/۱
۲	سواد زن (رتبه)	۳/۴۵**	۰/۹	۰/۳۴	۱/۴
۳	تجربه فعالیتهای زراعی (سال)	۲/۶۱*	۱۵/۹	۳۵/۲۹	۱۵/۱
۴	تجربه فعالیتهای دامداری (سال)	۳/۴۴**	۱۷/۳	۳۴/۸۹	۱۵/۴
۵	بُعد خانوار (تعداد)	۵/۰۷**	۱/۷	۳/۲۹	۱/۸
۶	درآمد سالانه خانوار (یکصد هزار ریال)	۵/۵۲**	۴۵/۲	۷۲/۸۲	۱۸۰
۷	سطح آرزوها (نمره)	۳/۵۸**	۲/۳	۹/۲۰	۲/۳
۸	تماس ترویجی (نمره)	۲/۵۴*	۲/۲	۳/۴۶	۲/۹
۹	مشارکت ترویجی (نمره)	۲/۳۶*	۱/۴	۰/۴۶	۲/۸
۱۰	مشارکت فیزیکی در فعالیتهای زراعی (نمره)	۲/۴۸*	۲۵/۷	۴۵/۴۴	۱۰/۳
۱۱	مشارکت در تصمیم‌گیری امور زراعی (نمره)	۵/۴۴**	۱۲/۷	۲۰/۰۳	۲/۸
۱۲	مشارکت کل در فعالیتهای زراعی (نمره)	۳/۷**	۳۵/۸	۶۵/۴۷	۱۱/۶
۱۳	مشارکت فیزیکی در فعالیتهای دامداری (نمره)	۲/۲۳*	۲۹/۹	۸۸/۲۹	۲۵/۸
۱۴	مشارکت در تصمیم‌گیری امور دامداری (نمره)	۳/۵۲**	۷/۹	۲۲/۲	۵/۹
۱۵	مشارکت کل در فعالیتهای دامداری (نمره)	۳/۰۴**	۳/۳	۱۱۱/۴۹	۲۹/۸
۱۶	مشارکت فیزیکی در کشاورزی تلفیقی (نمره)	۲/۶۹*	۴۸/۶	۱۳۳/۸۳	۳۱/۸
۱۷	مشارکت در تصمیم‌گیری امور کشاورزی تلفیقی (نمره)	۵/۲۷**	۱۸/۴	۴۳/۲۳	۷/۱
۱۸	مشارکت کل در فعالیتهای کشاورزی تلفیقی (نمره)	۳/۵۷**	۶۳/۷	۱۷۶/۹۵	۳۷/۴

* معنی دار در سطح ۱۰٪ ، ** معنی دار در سطح ۱٪

(منبع: یافته‌های تحقیق)

این مطالعه همچنین نشان داد که پرورش طیور سنتی فعالیتی است که تقریباً به طور کامل توسط زنان اداره می‌شود. این فعالیت علاوه بر ایجاد درآمد مازاد، بخش قابل توجهی از نیازهای غذایی خانوارهای روستایی را تأمین می‌کند. بنابراین سازمانهای دولتی و غیردولتی مسئول، باید کمکهای فنی و اعتباری لازم برای بهبود مشارکت زنان در این فعالیت در آمدزا را فراهم آورند.



منابع

- 1- Anonymous (1998), **National Report on Women**. Canada : Ottawa, The Embassy of the Islamic Republic of Iran.
- 2- Bhaumik, U.; Sen, M., and Chatterjee, J.C. (1999), "Participation of rural woman in decisionmarketing". **Indian Journal of Extension Education**. Vol.32, No. 1-4, PP. 24-29.
- 3- Buvinic, M., and Mehra, R. (1984), **Woman and Agricultural Development in Third World**. Carl K. Eicher (ed.), Baltimore: John Hopkins University Press, (Cited in: Spio, 1997).
- 4- Castillo, G. T. (1988), "Some general impression and observation from trips to India, Nepal, Bangladesh, Thailand, Indonesia and the Philippines". in **Filipino Women in Rice Farming Systems**. Philippines : International Rice Research Institute, pp. 31-39.
- 5- Cho, O. (1992), "Household in Korean rural community studies". in K., Saradmoni (ed.), **Finding the Household: Conceptual and Methodological Issues**. New Delhi: Sage Publication, pp. 203-217.
- 6- Holmboe - Ottessen, G.; Mascarehas, O.; Wandal, M. (1988), "Womans' role in food production and nutrition: implications for their quality of life". **Food and Nutrition Bulletin**. Vol. 19, No. 3, pp.9-15.
- 7- Karl, M. (1995), **Woman and Empowerment, Participation and Decision - Making**. London : Zed Books LTD.
- 8- ORNWA (Office of Rural / Normadic Womens Affaris) (1999), **Performance Report on Rural Women**. Tehran: Ministry of Jihad-e-Sazandegi, Undersecretariate of Extension and People Participation, The Office of Rural and Nomadic Womens Affairs.
- 9- Rivera, F. T. (1998), "Participation of rural woman and children in handwatering agriculture for crop diversification". in **Filipino Women in Rice Sarming Systems**. Philippines : International Rice Research Institute, PP.57-102.
- 10- RWDO (Rural Womens Development Office) (1996), **Goals and Objectives**. Tehran: Ministry of Agriculture, RWDO.
- 11- Sethi, R. M. (1991), **Women in Agriculture**. New Delhi: Rawat Publications.
- 12- Spio, K. (1997), "The role of women in the rural society". **Journal of Rural Development**. Vol.16, No. 3, pp. 497-513.
- 13- Swaminathan, M.S. (1985), **Project Design Workshop on Women in Rice Farming Systems. Importing a Rural Women Users Perspective to Agricultural Research and Development**. Philippine : Laguna, IRRO, (Cited in : Rivera, 1988).
- 14- Tohid, L. (1997), **Rural Women's Cooperatives, Objectives and Activities**. Tehran: Ministry of Agriculture, Rural Womens Extension Office.

- 15- Wijaya, H.R. (1993), "Developing agriculture with a women's perspective : a challenge". **37th Annual Conference**. Sydney : University of Sydney, Australian Agricultural Economic Society, Feb 9-11, (Cited in : Spio, 1997).
- 16- World Bank (1994), "Fact sheet : Iran - women, agriculture and rural development". in **National Sectional Report on Women, Agriculture and Rural Development**. (World Bank Atlas), Washington D.C.: World Bank.

